



فیلمبرداران شاخص ادوار جشنواره

پرواز بر بال تصویر

محمود کلاری ۸ سیمرغ بلورین
حمید خضوعی ایبانه ۴ سیمرغ بلورین
محمد آلاپوش ۳ سیمرغ بلورین
علیرضا زرین‌دست ۳ سیمرغ بلورین
اصغر رفیعی جم ۳ سیمرغ بلورین
محمد داودی ۲ سیمرغ بلورین
تورج منصوری ۲ سیمرغ بلورین
حسن پویا ۲ سیمرغ بلورین
بهرام بدخشانی ۲ سیمرغ بلورین
حسین جعفریان ۲ سیمرغ بلورین
محمد داودی ۲ سیمرغ بلورین
هومن بهمنش ۲ سیمرغ بلورین
مرتضی نجفی ۲ سیمرغ بلورین

علی محمد قاسمی/کوهیار کلاری/آرمان فیاض/پیمان
شادمان‌فر/علیرضا برازنده/امیرگریمی/حسن کریمی/وضاررضی
اسماعیل امامی/فیروز ملک‌زاده یک سیمرغ بلورین
در ادوار اولیه جشنواره جایزه اصلی «لوح زرین» نام داشت که در این
گزارش با عنوان «سیمرغ» ثبت شد.



محمود کلاری
خداوند
آلاپوش
علیرضا زرین‌دست
اصغر رفیعی جم
محمد داودی
تورج منصوری
حسن پویا
بهرام بدخشانی
حسین جعفریان
محمد داودی
هومن بهمنش
مرتضی نجفی

روزنامه چهل و چهارمین جشنواره ملی فیلم فجر / چهارشنبه ۱۵ بهمن ۱۴۰۴

w w w . f a j r f i l m f e s t i v a l . i r

تصویر تازه‌ای از «ما» با سینما



کاوه احمدی
کارشناس مسائل اجتماعی



اکبر نبوی
منتقد و کارشناس فرهنگی

پیشرو بودن در چارچوب

سینما، مانند دیگر شاخه‌های هنر این توانایی را دارد که چشم‌انداز و افق نگاه جامعه را گسترش دهد. یکی از ویژگی‌های بنیادین هنر، وسعت دادن به چشم‌انداز ملی است اما تحقق این ویژگی، وابسته به یکسری پیش‌نیازهاست که مهم‌ترین آن‌ها، نگاه درست و نسبتاً جامع به وضعیت و شرایط زیست اجتماعی و برخورداری از تحلیلی دقیق از واقعیت‌های جامعه است. از سوی دیگر، سینما باید بتواند فروبستگی‌های اجتماعی را به‌درستی بشناسد چون تنها در پرتو شناخت این فروبستگی‌ها می‌توان به ایجاد گشایش اجتماعی امیدوار بود.

طی سال‌های گذشته در همین زمینه سینمای ایران نمونه‌هایی داشته که نه تنها فیلم‌نامه‌نویس‌ها و کارگردان‌ها، وضعیت امروز را درست فهمیده‌اند، بلکه نسبت به آینده نیز هشدارهای به‌موقع و قابل توجهی داده‌اند. در میان آثار فیلمسازان اجتماعی شاخص، می‌توان به نمونه‌های موفقی اشاره کرد. رسول صدرعاملی در «دختری با کفش‌های کتانی» و «من ترانه ۱۵ سال دارم»، توانست مسائل اجتماعی را دقیق ببیند و آن‌ها را قالبی قابل فهم و اثرگذار مطرح کند. همین ویژگی را می‌توان در فیلم‌های اجتماعی مرحوم رسول ملاقلی‌پور دید؛ آثاری مانند «خسوف»، «پناهنده»، «مجنون» و «قارچ سمی» که واجد نگاه اجتماعی جدی و هشداردهنده بودند. یا در سینمای رخشان بنی‌اعتماد فیلم‌هایی چون «نرگس»، «روسری آبی» و «بانوی اردیبهشت» که همچنان از نمونه‌های سربلند سینمای اجتماعی به‌شمار می‌آیند. اما دست کم از نگاه من، امروز نمونه‌های کمی از این آثار داریم.

امروز فیلم‌سازان کمتر به عمق موضوعات می‌پردازند. شتابی که زندگی معاصر به خود گرفته، بی‌حوصلگی عمومی و شکل‌گیری نوعی «زندگی ساندویچی» در رقم خوردن این وضعیت مؤثر است. از سوی دیگر، رسانه‌های جدید به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی، فرصت و مجال کنکاش عمیق را از افراد گرفته‌اند. در واقع مجموعه‌ای از این عوامل، باعث می‌شوند فیلمساز کمتر وقت بگذارد، کمتر مطالعه کند و در نتیجه کمتر در موضوعات اجتماعی عمیق شود.

باید گفت سینمای اجتماعی قبیح، سرحال و مبتنی بر نگاه عمیق، بسیار کم‌رنگ‌تر از گذشته است. نه اینکه چنین آثاری وجود نداشته باشند اما فاصله سینمای اجتماعی امروز با دورانی که این نوع سینما ارزش، اعتبار و جایگاه جدی داشت، قابل تأمل و نگران‌کننده است.

اگر سینما ریشه‌دار، آگاهانه و مبتنی بر فهم عمیق جامعه باشد، می‌تواند جهت گشودن افق ملی و کمک به فهم و گشایش اجتماعی نقش آفرین باشد اما این مهم، زمانی معنا پیدا می‌کند که اثر هنری بتواند نوعی نشاط، پویایی و امکان حرکت ایجاد کند. در مقابل، القای یأس، دل‌مردگی و درماندگی مداوم، نه تنها کمکی به جامعه نمی‌کند، بلکه آن را در وضعیت انفعال تثبیت می‌کند. بخشی از این وضعیت، ناشی از نوعی ژست شبه‌روشنفکرانه و بلاهت‌آمیز است و بخشی دیگر از تلاشی برای نمایش آوانگارد بودن در طرح برخی موضوعات؛ بی‌آنکه نسبتی واقعی با نیازهای جامعه برقرار شود. از نگاه من، مساله این نیست که هنرمند آوانگارد نباشد. اتفاقاً می‌تواند در طرح موضوعات، پیشرو و جسور هم باشد، اما این پیشرو بودن باید در چارچوب چشم‌انداز ملی معنا پیدا کند.

گفتمان ملی زمانی شکل می‌گیرد که یک جامعه بتواند خود را در روایت‌هایی مشترک بازشناسد؛ روایت‌هایی که احساس تعلق، همدلی و تجربه جمعی را بازتولید می‌کنند. سینما یکی از معدود رسانه‌هایی است که این توان را دارد اما زمانی تأثیرگذار خواهد شد که به زیست واقعی جامعه نزدیک شود. در این میان ورزش یکی از زنده‌ترین و ملموس‌ترین عرصه‌های زندگی جمعی است؛ عرصه‌ای که ظرفیت بالایی برای تبدیل شدن به روایت سینمایی دارد.

ورزش فقط رقابت و نتیجه نیست، بلکه مجموعه‌ای از لحظات انسانی است انتظار، اضطراب، شکست، بازگشت و امید. این لحظات، همان مصالح اصلی سینما هستند. وقتی سینما به ورزش می‌پردازد، در واقع به تجربه‌هایی رجوع می‌کند که میلیون‌ها نفر آن‌ها را زیسته‌اند. به همین دلیل، فیلم‌های ورزشی اغلب بیش از بسیاری از آثار اجتماعی دیگر، توان ایجاد ارتباط عاطفی با مخاطب را دارند. سینمای ورزشی می‌تواند تصویر تازه‌ای از «ما» بسازد. تیمی که با وجود محدودیت‌ها ادامه می‌دهد، ورزشکاری که پس از شکست دوباره برمی‌خیزد یا شهری که با یک پیروزی جمعی به شور می‌آید، همگی فراتر از داستان‌های فردی هستند. این روایت‌ها به‌تدریج به حافظه جمعی راه می‌یابند و به بخشی از گفتمان ملی بدل می‌شوند؛ گفتمانی که نه از بالا، بلکه از دل تجربه مشترک شکل می‌گیرد. از سوی دیگر، پیوند سینما و ورزش نقش مهمی در تقویت نشاط اجتماعی دارد. جامعه‌ای که بتواند لحظات امید و همبستگی خود را در قالب روایت‌های سینمایی بازبیند، ظرفیت بیشتری برای عبور از فرسودگی اجتماعی خواهد داشت. سالن سینما مانند ورزشگاه، مکانی برای تجربه جمعی احساسات است؛ جایی که تفاوت‌ها کم‌رنگ می‌شود و یک «ما» مشترک شکل می‌گیرد. در ایران، ورزش همواره یکی از نقاط تمرکز احساسات جمعی بوده است. پرداخت سینمایی به این تجربه‌ها، می‌تواند به ثبت تاریخ اجتماعی ورزش و بازنمایی لایه‌هایی از زندگی معاصر کمک کند که کمتر در روایت‌های رسمی دیده می‌شوند. چنین آثاری، بدون نیاز به شعار، تصویری زنده از تلاش، ناکامی و امید ارائه می‌دهند. وقتی سینما به ورزش نزدیک می‌شود، گفتمان ملی نه در قالب پیام‌های مستقیم بلکه در دل داستان‌ها شکل می‌گیرد؛ داستان‌هایی که دیده می‌شوند، به خاطر سپرده می‌شوند و در گفت‌وگوهای روزمره جامعه زنده می‌مانند. همین تداوم روایت است که سینما را به یکی از مؤثرترین بسترهای شکل‌گیری احساس مشترک و اتحاد ملی تبدیل می‌کند.

سه فیلم دیگر در سانس فوق‌العاده

در پی استقبال مخاطبان سه‌شنبه شب ۱۴ بهمن سه فیلم سینمایی دیگر در سانس فوق‌العاده روی پرده رفتند. «خواب» به کارگردانی مانی مقدم ساعت ۲۲:۴۵ در سالن ۳ پردیس ایران‌مال به نمایش درآمد. سالن دروازه ملل هدیش مال ساعت ۲۱:۳۰ میزبان تماشاگران «حال خوب زن» ساخته مهدی برزکی بود. همچنین «قایق سواری در تهران» به کارگردانی رسول صدرعاملی در سالن یک پردیس مگامال در ساعت ۲۲:۳۰ روی پرده رفت.



چهره‌های روز



حامد جعفری
وقتی یک فیلمساز جوان به قله جشنواره می‌رسد، نباید اتفاقات مانع لذت بردن او از مسیرش شود.



محسن جسور
«گیس» روایت افرادی است که می‌خواهند ایران را بسازند و آنها که می‌خواهند ایران را بفروشند.



بابک خواجه‌پاشا
مساله من کودکان هستند و شروع کودک‌کشی در غزه، من را تحت تأثیر قرار داد و روانم را برهم زد...



مهدی مطهر
فیلم «کوچ» تنها فیلم اقتباسی چهل و چهارمین جشنواره فیلم فجر است.



منوچهر محمدی در فجر ۴۴ تجلیل شد

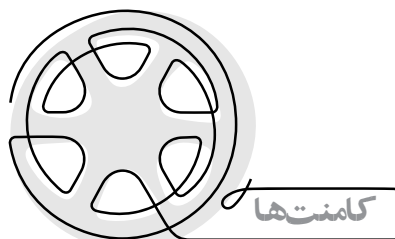
روز فرشته

مراسم بزرگداشت منوچهر محمدی تهیه‌کننده عصر سه‌شنبه چهاردهم بهمن ۱۴۰۴ و چهارمین روز نمایش فیلم‌ها در خانه جشنواره پیش از اکران فیلم سینمایی «سرزمین فرشته‌ها» در پردیس ملت برگزار شد.

به گزارش روزنامه جشنواره ملی فیلم فجر، راند فریدزاده رئیس سازمان سینمایی در این نشست گفت: آقای محمدی نقش پدري برای سینمای ایران دارد پدر همیشه با شفقت و دلسوزی نگران فرزندان خودش است به‌خصوص در خانه‌ای که ممکن است بین فرزندان قهری ایجاد شود او یکی از دلسوزترین انسان‌هایی است که در زندگی دیده‌ام. جای فرشته طائرپور به عنوان مادر سینما امروز خالی است. امیدوارم سایه منوچهر محمدی بر سر این کشور مستدام بماند.

در ابتدای مراسم منوچهر شاهسواری دبیر جشنواره گفت: سخن گفتن از منوچهر محمدی در عین سادگی، سخت است به‌خصوص اینکه سال‌ها در یک رفاقت دیرینه با او همراه بودم و زمان‌هایی بوده که اشک‌های هم را دیده‌ایم... او بی‌حاشیه و بی‌سروصدا است و بخش بزرگی از مسائل سینما ایران با وجود او حل شده است.

منوچهر محمدی نیز در این مراسم گفت: امروز مصادف با سالگرد ازدواج من است. ۴۷ سال پیش، خدا فرشته‌ای را سر راه من قرار داد و منجر به ازدواج ما شد... در همان آغاز در برابر عظمت و شکوه ایشان زانوی ادب زدم، در این سال‌ها ایشان شیر و عصاره دو کتاب یعنی قرآن و حافظ را در جان من ریختند و به همین دلیل این جایزه را به همسر، عشقم، مرشد و مرادم بانو فرزانه تقدیم می‌کنم. یقین دارم در این کشور هزاران زن فرهیخته دیگر وجود دارد که امیدوارم قدر ببینند و بر صدر بنشینند جهان ایران با این زنان بهتر و زیباتر خواهد شد.



تریلر جاده‌ای دغدغه‌مند

محمد سلیمانی



«اسکورت» تریلر جاده‌ای خوش‌ساختی است که هم رو به سوی مخاطب عام دارد و هم دغدغه جلب‌نظر و توجه علاقه‌مندان سینمای اجتماعی. طرح مضامین ملتهب به‌روز هم باید مخاطب‌پسند باشد و هم ضمن رعایت قواعد ژانر حرفش را بدون لکنت بیان کند، پس ریسک نمی‌کند و سراغ ساختارشکنی نمی‌رود. یک قهرمان محوری دارد که آدم پیچیده و عجیب و غریبی نیست پس قرار است با حضورش به‌طور جدی و از نزدیک به زندگی دشوار و پرخطر شوتی‌ها در متن فیلم معنا ببخشد. اما «اسکورت» در طرح همین موضوع هم سعی می‌کند بدون تبدیل شدن به بیانیه‌ای احساساتی و اشک‌انگیز، با ورود به دنیای قهرمان اصلی یعنی اصلاان و همراهی با دل‌مشغولی‌هایش و عشقی که سر بزنگاه گریبان‌ش را گرفته، نگاهی واقعی به ریشه‌های یک مساله حاد اجتماعی داشته باشد.

پرکشش با امضای «یوسف حاتمی‌کیا»

علی کریمی



قصه پرکشش و پرماجرای «اسکورت» اجازه یک لحظه غافل شدن را به مخاطب نمی‌دهد. فیلمساز جسورانه سراغ سوژه پرتالهاب شوتی‌ها رفته و سناریویی نوشته که تعلیق در سراسر آن وجود دارد. ساخت فیلمی در قالب اکشن-ماجراجویانه که کمتر در سینمای ایران ساخته می‌شود، نشان می‌دهد یوسف حاتمی‌کیا مسیر خود را در سینما پیدا کرده و در همان مسیر قدم برمی‌دارد نه مسیر متداول فیلمسازان سینمای ایران و نه حتی مسیری که پدرش طی کرده است. ماجرای زنی که برای حفظ امید در زندگی خود و فرزندش، خطر را به جان خریده، از جایی با سرنوشت پسری گره می‌خورد که او هم ناچار پایش به اینجا کشیده شده است. از همان ابتدا فیلمنامه‌نویس شخصیت‌ها را در کمترین زمان ممکن به ما معرفی می‌کند و برای ورود به قصه زمان را هدر نمی‌دهد. فیلم، داستان پریچ و خم شخصیت‌هایی است که برای کسب درآمد، مسیری پرخطر را طی می‌کنند، آن‌ها را در چالش‌هایی قرار می‌دهند که رهایی از آن، راحت نیست. قصه به‌گونه‌ای جلو می‌رود که مخاطب با شخصیت‌ها همراه شده و در مسیری که طی می‌کنند، با آن‌ها احساس نزدیکی می‌کند. یوسف حاتمی‌کیا هم در متن و هم در کارگردانی اجازه نمی‌دهد لحظه‌ای میان مخاطب و شخصیت‌های داستان فاصله بیفتد.





نشست خبری فیلم «گیس»

سه‌شنبه ۱۴ بهمن ۱۴۰۴ - سالن ۱۲ پردیس ملت

دروغ نگفتیم

اجرا: محمود گبرلو **حاضران:** محسن جسور کارگردان، مهدی جوادی تهیه‌کننده از میان گفته‌ها: **مهدی جوادی:** فیلم «گیس» در ماه‌شهر تولید شد. به‌رغم آنکه بیش از ۴۲ درصد پتروشیمی و ۳۰ درصد ثروت ما در این شهر قرار دارد اما از محروم‌ترین شهرهای ایران است. فیلمبرداری ما در آبان ۱۴۰۳ هم‌زمان با حمله رژیم صهیونیستی به زیرساخت‌های ماه‌شهر بود. در این حمله ۲ تن از نیروهای پدافند به شهادت رسیدند. روزهای پر استرسی برایمان بود و این دو شهید نقش زیادی داشتند که دوستان ما مصمم‌تر پای کار این فیلم بایستند و سختی تولید را به دوش بکشند. در همان مقطع از آقای شاهسواری خواهش کردم فیلم از ارزیابی خارج شود اما این اتفاق رخ نداد و فیلم دیده شد اما در ادامه به دلیل آماده نبودن آن را کنار گذاشتند. «گیس»؛ اقتباس از یک داستان واقعی است. در سال ۱۴۰۱ مجموعه‌ای از انفجارهای ناشی از آلودگی صنعتی را داشتیم، داستان «گیس» برگرفته از همان داستان‌های در هم تنیده است. **محسن جسور:** فکر نمی‌کنم فیلم ما دچار ممیزی شود چون دروغ نگفتیم. در روایت فیلم افراط و تفریط نکردم اما اگر اجازه ندهند یک سری موضوعات را ما روایت کنیم، دیگران این موضوع را روایت می‌کنند؛ البته خودمان بخش‌هایی را با احتیاط حذف کردیم. به اندازه خودمان تلاش می‌کنیم آباد کنیم اما مقصر آنهایی هستند که اینجا را آباد نمی‌خواهند بلکه خراب می‌خواهند.

نشست خبری فیلم «کوچ»

سه‌شنبه ۱۴ بهمن ۱۴۰۴ - سالن ۱۲ پردیس ملت

کوچ یک قهرمان

اجرا: محمود گبرلو، **حاضران:** مهدی مطهر نویسنده و تهیه‌کننده، محمد اسفندیاری نویسنده و کارگردان، علی محمد رادمنش و ابوالفضل نگینی بازیگران، پیمان محمدی طراح صحنه، از میان گفته‌ها: **محمد اسفندیاری:** فیلم ما پروسه فشرده‌ای داشت. ساخت «کوچ» از فیلم کوتاه (۱۳ سالگی) استارت خورد. ایده ابتدایی آن از کتاب «باران گرفته است» بود که فیلم کوتاه ساخته شد و ما را بر این داشت تا فیلم بلند آن را بسازیم. قبل از «بچه مردم» هم وس اندرسون از این سبک استفاده کرد. ما اولین فیلمسازهایی نیستیم و قطعا هر اثری ممکن است شباهت‌هایی با آثار پیش از خود داشته باشد. سعی کردیم ساختار شکنانه به ژانر بیوگرافی نگاه کنیم و هیچ‌گاه پیشینه قهرمان را در قصه مرور نمی‌کنیم. اگر شخصی قهرمان می‌شود پیشینه‌ای داشته در خانواده‌ای رشد کرده که باید آن را هم ببینیم. **مهدی مطهر:** فیلم ما تنها فیلم اقتباسی جشنواره است و خود کتاب ما حاصل خاطرات متنوع درباره حاج قاسم بود که راکوردهای درست و جالبی را فراهم کرد. از خاطرات نقل شده بسیاری برای نزدیک شدن به زندگی حاج قاسم استفاده کردیم، اتفاقاتی که مابه‌ازای واقعی داشتند که همه در دست‌نوشته‌های شهید و کتاب «باران گرفته است» موجود است. **ابوالفضل نگینی:** با توکل به خدا و زحمت کارگردان توانستم این نقش را اجرا کنم. در فیلم (۱۳ سالگی) اعلام شد این اثر پیش‌پرداختی از یک فیلم بلند است پس کم‌کم با نقشم خو گرفتم. من اصالتا در همان روستایی بزرگ شدم که حاج قاسم بزرگ شده بود. **علی رادمنش:** بعد از خواندن فیلمنامه دیدم داستانی دارد که براساس واقعیت است. هیچ مجابایی تکان‌دهنده‌تر از خود حقیقت نیست و بازیگری در این فیلم ما دشوار است چون زندگی حقیقی است.



اولین فیلمسازهایی نیستیم و قطعا هر اثری ممکن است شباهت‌هایی با آثار پیش از خود داشته باشد. سعی کردیم ساختار شکنانه به ژانر بیوگرافی نگاه کنیم و هیچ‌گاه پیشینه قهرمان را در قصه مرور نمی‌کنیم. اگر شخصی قهرمان می‌شود پیشینه‌ای داشته در خانواده‌ای رشد کرده که باید آن را هم ببینیم. **مهدی مطهر:** فیلم ما تنها فیلم اقتباسی جشنواره است و خود کتاب ما حاصل خاطرات متنوع درباره حاج قاسم بود که راکوردهای درست و جالبی را فراهم کرد. از خاطرات نقل شده بسیاری برای نزدیک شدن به زندگی حاج قاسم استفاده کردیم، اتفاقاتی که مابه‌ازای واقعی داشتند که همه در دست‌نوشته‌های شهید و کتاب «باران گرفته است» موجود است. **ابوالفضل نگینی:** با توکل به خدا و زحمت کارگردان توانستم این نقش را اجرا کنم. در فیلم (۱۳ سالگی) اعلام شد این اثر پیش‌پرداختی از یک فیلم بلند است پس کم‌کم با نقشم خو گرفتم. من اصالتا در همان روستایی بزرگ شدم که حاج قاسم بزرگ شده بود. **علی رادمنش:** بعد از خواندن فیلمنامه دیدم داستانی دارد که براساس واقعیت است. هیچ مجابایی تکان‌دهنده‌تر از خود حقیقت نیست و بازیگری در این فیلم ما دشوار است چون زندگی حقیقی است.



نشست خبری فیلم «سرزمین فرشته‌ها»

سه‌شنبه ۱۴ بهمن ۱۴۰۴ - سالن ۱۲ پردیس ملت

بازسازی غزه در ایران

اجرا: سونیا پوریامین **حاضران:** بابک خواجه‌پاشا نویسنده و کارگردان، منوچهر محمدی تهیه‌کننده، پیام سوری طراح صحنه، بهزاد آقابیکی طراح لباس و اهورا لطفی بازیگر. از میان گفته‌ها: **بابک خواجه‌پاشا:** در دو سال گذشته، زمانی که جنگ غزه تازه شروع شده بود، شرایط انسان‌ها من را تحت تأثیر قرار داد و روانم برهم خورده بود. با مسائل سیاسی مرتبط نیست، مساله من کودکان هستند. چرا باید بیش از ۲۰ هزار کودک سلاخی شوند؟ نگارش فیلمنامه با حضور عوامل حرفه‌ای و دقیق و تحقیق و پژوهش درست که یک سال و نیم طول کشید و همین امر باعث شد بتوانیم فیلمنامه را به اینجا برسانیم تا درد را طوری به مخاطب منتقل کنیم که مخاطب آزار نبیند. فیلم‌هایی که دردی را مطرح می‌کنند، باید به جایی برسند که مخاطب آزار نبیند. **منوچهر محمدی:** زمانی که این ایده به ذهنم رسید، از ابتدا می‌دانستم که فیلم سهل و ممتنعی است. گزینه اول من کشور سوریه بود، زیرا «بازمانده» را آنجا ساخته بودم. می‌دانستم حلب و هما به فضای غزه شبیه هستند. گزینه بعدی لبنان بود اما گفتند ساخت فیلم سینمایی آنجا ممکن نیست و فقط امکان فیلم کوتاه است، شرایط برای فیلمبرداری در رقه عراق هم میسر نبود. فیلم در ایران ساخته شده است، بخشی در هشتگرد و بخشی در نزدیکی فرودگاه امام خمینی (ره) فیلم‌برداری شده است.

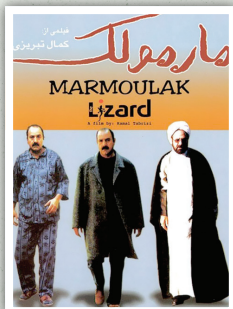


فیلمنامه‌های برتر ادوار فجر چه بودند؟ چرا جایزه گرفتند؟ ۵

ماجرای جویی، کشف و سقوط

به چهل و چهارمین جشنواره فیلم فجر رسیده‌ایم. در این سال‌ها داستان‌های بسیاری گفته شده است. برخی از آن‌ها قهرمان‌های ماندگاری خلق کرده‌اند، قهرمان‌هایی که در تاریخ سینمای ایران جاودانه شده‌اند. افرادی که این داستان‌ها را به فیلمنامه و در مواردی به فیلم تبدیل کرده، گاهی از زیست شخصی خود و گاهی از قدرت تخیل‌شان استفاده کرده‌اند. آن‌ها قهرمان‌های خود را به جدال‌های درونی و بیرونی برده‌اند. جدال‌هایی که برای مخاطب پرسشی اساسی ایجاد می‌کنند. چه کسی پیروز خواهد شد؟ و فیلمنامه‌نویسان با ایده‌های ناظر خود به این پرسش پاسخ خواهند داد. نام این فیلمنامه‌نویسان و آثارشان در تاریخ جشنواره فیلم فجر ثبت شده است. در این گزارش با توجه به اهمیت داستان‌گویی در سینما و ارزش نهادن به مدیوم فیلمنامه بر آنیم که نگاهی به آثار آن‌ها داشته و ایده اولیه، پیچش داستانی، پیرنگ و ایده ناظرشان را معرفی کنیم.

محراب توکلی



نام فیلم: مارمولک

محصول: ۱۳۸۲

برنده سیمرغ بلورین جشنواره بیست و دوم

فیلم‌نامه‌نویس: پیمان قاسم‌خانی



نام فیلم: من ترانه ۱۵ سال دارم

محصول: ۱۳۸۰

برنده سیمرغ جشنواره بیستم

فیلم‌نامه‌نویس: کامبوزیا پرتوی، رسول

صدرعاملی

خلاصه داستان: رضا مثقالی معروف به رضا مارمولک دزد سابقه‌داری است که بارها دستگیر و زندانی شده، لباس یک روحانی بیمار را می‌رباید و موفق به فرار از بیمارستان می‌شود. او با مصونیتی که در لباس تازه پیدا کرده به یک شهرک مرزی می‌رود تا از این طریق و با گذرنامه جعلی از کشور خارج شود اما ناگهان... **ایده اولیه:** چه می‌شود اگر یک مجرم با لباس مبدل جای یک روحانی نقش بازی کند؟ **پیرنگ:** تغییر، بلوغ، وسوسه، تعقیب و گریز **پیچش داستانی:** اهالی مسجد امین، رضا را با خود به روستایشان می‌برند... **ایده ناظر:** رستگاری پیروز می‌شود، زیرا انسان با تجربه همدلی و مسئولیت، از نقش ظاهری به حقیقت درونی می‌رسد.

خلاصه داستان: ترانه دختر نوجوانی که مادرش را در کودکی از دست داده و پدرش در زندان به سر می‌برد، ازدواج می‌کند ولی بعد از مدت کوتاهی پسر ترانه را رها کرده و به خارج از کشور می‌رود. این در حالی است که ترانه از آن پسر باردار است و... **ایده اولیه:** چه می‌شود اگر دختری نوجوان درگیر چالش‌های بزرگ و جدی زندگی شود و در آستانه از دست دادن آبرویش باشد؟ **پیرنگ:** صعود و سقوط، بلوغ **پیچش داستانی:** پسری که عاشق ترانه بود، از ایران می‌رود و مادر بزرگ ترانه فوت می‌کند **ایده ناظر:** وقتی عدالت اجتماعی فرو می‌ریزد، تنها نیرویی که نوجوانی مثل ترانه را سرپا نگه می‌دارد، اراده او برای بقاست.

صفحه ۵

روزنامه چهل و چهارمین جشنواره ملی فیلم فجر



نام فیلم: ضد گلوله

محصول: ۱۳۹۰

برنده سیمرغ بلورین جشنواره سی‌ام

فیلم‌نامه‌نویس: مصطفی کیایی



نام فیلم: کارگران مشغول کارند

محصول: ۱۳۸۴

برنده سیمرغ بلورین جشنواره

بیست و چهارم | بخش بین‌الملل

فیلم‌نامه‌نویس: مانی حقیقی (براساس

طرحی از عباس کیارستمی)

خلاصه داستان: داستان «ضد گلوله» مربوط به اواسط دهه ۶۰ و اوج دوران جنگ ایران و عراق است و سرگذشت مردی حدوداً ۵۰ ساله در تهران را روایت می‌کند که مشغول قاچاق نوارهای لس‌آنجلسی و فیلم‌های ویدئویی است. او که در اثر یک اتفاق درمی‌یابد توموری در سر دارد و تا دو ماه دیگر بیشتر زنده نخواهد ماند؛ تصمیم می‌گیرد به جنگ برود. **ایده اولیه:** چه می‌شود اگر شخصیتی در آستانه بیماری مرگبار خود، سعی کند در جبهه شهید شود؟ **پیرنگ:** ماجراجویی، کشف **پیچش داستانی:** قهرمان قصه در نزدیک‌ترین مواجهه با مرگ، زنده می‌ماند. **ایده ناظر:** شجاعت ظاهری فرو می‌ریزد، زیرا بر پایه توهم و خودفریبی است، نه تحول درونی.

خلاصه داستان: چهار دوست قدیمی که از تعطیلات، در حال بازگشت به خانه هستند، در توقفی کوتاه در کنار یک جاده کوهستانی به تخته سنگ عجیبی برمی‌خورند و تلاش می‌کنند تخته سنگ را به قعر دره پرتاب کنند، در انتها وقتی همه ناامید و خسته از تلاش دست می‌کشند تخته سنگ خود به خود به دره پرتاب می‌شود... **ایده اولیه:** چه می‌شود اگر چهار دوست قدیمی پولدار دست به کاری بیهوده بزنند؟ و این کار را آغاز کنند، چه تصویری از آن‌ها رقم خواهد خورد؟ **پیرنگ:** کشف، رقابت **پیچش داستانی:** تلاش شخصیت‌ها به طور تدریجی خالی از معنا می‌شود **ایده ناظر:** بی‌معنایی بر عقلانیت غلبه می‌کند، زیرا انسان‌ها به جای حل مساله، گرفتار خودنمایی و لج‌بازی می‌شوند.

دختر پری خانوم

نویسنده فیلمنامه، کارگردان و تهیه‌کننده: علیرضا معتمدی،
بازیگران: علیرضا معتمدی، سها نیاستی، مرضیه برومند،
صحرا اسداللهی، سارا خدادادی، زهرا خدادادی، **تهیه‌کننده**
اجرائی: کامبیز دارابی، **مدیر فیلمبرداری:** علی تبریزی، تدوین:
میثم مولایی، **طراح صحنه:** کیوان مقدم، **موسیقی:** سهند
مهدی‌زاده، **طراحی و ترکیب صدا:** زهره علی‌اکبری، **صداپردازان:**
محمود سماک‌باشی، محسن نانکلی، **طراح لباس:** سارا
سمیعی، **طراح گریم:** عظیم فراین، **جلوه‌های بصری:** بی‌تا
اخلاقی، **جلوه‌های ویژه:** حمید رسولیان، **عکاس:** احمدرضا
شجاعی، **مدیر تولید:** علی بهرمند، **پوستر و گرافیک:**
حمیدرضا بیدقی، **مدیر رسانه‌ای:** آیدا اورنگ
خلاصه داستان: آرزوی مردی برآورده می‌شود اما او دیگر آن
آرزو را نمی‌خواهد.



زننده شور



تهیه‌کننده و کارگردان: کاظم دانشی، **نویسنده فیلمنامه:**
محمد داوودی، کاظم دانشی، **مجری طرح:** سینا هماتاش،
مدیر فیلمبرداری: پارسا مجد، **تدوین:** خشایار موحدیان، الهه
ایزدی، **صداگذار:** علیرضا علویان، **آهنگساز:** کارن همایونفر،
طراح صحنه: محسن نصراللهی، **مدیر تولید:** مینا سنگ
سفیدی **مدیر صداپردازی:** رشید دانشمند، **طراح لباس:** مارال
جیرانی، **طراح چهره پردازی:** محمود دهقانی، **سرپرست گروه**
کارگردانی: رامنا هاشمی، **مدیر برنامه‌ریزی:** سمیرا شکوری،
طراح جلوه‌های بصری: تهمینه اذکاری، **مدیر تبلیغات:** صدف
رضافور، **سرمایه‌گذاران:** سینا هماتاش، کاظم دانشی
خلاصه داستان: مرتضی زند باید در یک شب تا صبح
۵ نفر را اعدام کند ولی ...

مارون

کارگردان: امیراحمد انصاری، تهیه‌کننده و **فیلمنامه‌نویس:**
مهدی صاحبی، **بازیگران:** جمشید هاشم‌پور، امیرحسین
فتحی، محمدرضا فتحی، ملیکا مبارکشینا (از روسیه)، سازه
مشهداردیل (از ترکیه)، محمد صدیقی‌مهر، شهرام جلیلیان و...،
مدیر فیلمبرداری: داوود محمدی، **مشاور فیلمنامه:** سید
محمدحسینی، **تدوین:** نیما حسن‌دوست، **طراح صحنه:**
حمید شهیری، **صداگذار:** علیرضا علویان، **طراح لباس:** زهره
رحمانی، **چهره‌پرداز:** مرتضی کهزادی، **مدیر تولید:** داوود
جمشیدی، **صداپرداز:** امیر شاهوردی، **آهنگساز:** سروش
انتظامی، **جلوه‌های ویژه میدانی:** ایمان کریمیان، **جلوه‌های ویژه**
بصری: بهنام خاکسار و رضا انصارین، **عکاس:** سمیه میری.
خلاصه داستان: نان، سیاست و توطئه‌ای که در رگ‌های زمین
کاشته می‌شود...





فیلم سینمایی «مارون» به روایت مهدی صاحبی

روایت نان، قدرت و حافظه جمعی

شخصیت‌ها، به‌ویژه مثلث عاطفی - ایدئولوژیک هدایت، شارلوت و هنگامه، به فیلم عمق انسانی می‌بخشد و اجازه نمی‌دهد «مارون» به بیانیه‌ای صرفاً سیاسی تبدیل شود.

از نظر لحن، «مارون» ترکیبی جسورانه از تریلر سیاسی، درام تاریخی و ملودرام ریشه‌دار بومی است. استفاده از موسیقی لری در کنار فضاهای صنعتی و سرد غرب، تضادی معنادار می‌سازد که یکی از دستاوردهای فرمی فیلم‌نامه به شمار می‌آید. این تضاد، همان شکافی است که فیلم درباره‌اش سخن می‌گوید: شکاف میان زمین و بازار، بذر و قرارداد، انسان و سیستم.

در نهایت، «مارون» فیلمی است درباره انتخاب. درباره این که آیا بذر را امانت می‌دانیم یا ابزار سلطه. فیلم پرسشی ساده اما بنیادین را پیش روی مخاطب می‌گذارد: وقتی نان در دست افراد معدودی باشد، آزادی چه معنایی دارد؟

پرسشی که «مارون» آن را نه با شعار، بلکه با روایت، تصویر و حافظه جمعی پاسخ می‌دهد. تصور کنید؛ روزی که نان، به جای قوت، سلاحی باشد در دست عده‌ای از قدرت‌ها.

● دغدغه اصلی من برای ساخت «مارون» از یک پرسش ساده شروع شد: وقتی نان یک ملت در اختیار دیگری باشد، استقلال چه معنایی دارد؟

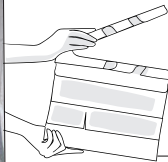
در سال‌های اخیر، موضوع بذر، غذا و امنیت غذایی به تدریج از یک مساله فنی و کشاورزی، به یک چالش عمیقاً سیاسی، انسانی و اخلاقی تبدیل شده است. وابستگی پنهان کشورها به بذرهای وارداتی و اصلاح شده، شکلی از استعمار خاموش را رقم زده که بدون شلیک گلوله، سرنوشت ملت‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. «مارون» تلاشی است برای روایت همین جنگ خاموش؛ جنگی که نه در میدان نبرد، بلکه پشت میزهای شیشه‌ای و قراردادهای به‌ظاهر قانونی رخ می‌دهد.

● «مارون» فقط یک فیلم داستانی نیست؛ بلکه تلاشی است برای بازخوانی یکی از عمیق‌ترین و کمتر دیده‌شده‌ترین منازعات معاصر یعنی کنترل غذا به‌مثابه کنترل انسان. این فیلم‌نامه با پیوند زدن سرنوشت فردی شخصیت‌ها به شبکه‌ای جهانی از قدرت، سرمایه و سیاست، روایتی می‌سازد که هم ریشه در تاریخ دارد و هم به‌طرز نگران‌کننده‌ای امروزی است. «مارون» از بمب‌هایی می‌گوید که بی‌صدا در آشپزخانه تک‌تک خانه‌ها منفجر می‌شوند و سالانه میلیون‌ها نفر را در سراسر دنیا، به کام مرگ و بیماری‌های صعب‌العلاج می‌کشاند. «مارون» یعنی در افتادن با بزرگ‌ترین و مخوف‌ترین مافیای جهانی یعنی مافیای غذا! همان آغاز فیلم، جهت‌گیری «مارون» را روشن می‌کند: ما با جهانی روبه‌رو هستیم که در آن «نان» دیگر محصول خاک و رنج کشاورز نیست، بلکه کالایی است در دست شرکت‌ها و میزهای براق. این مقدمه، تماشاگر را بی‌واسطه وارد جنگی خاموش می‌کند؛ جنگی که در آن گرسنگی، ابزار قدرت است.

در مرکز روایت، شخصیت هدایت قرار دارد؛ دانشجوی نخبه‌ای از دیار کهگیلویه و بویراحمد که ریشه‌هایش در خاک، گندم و رود مارون است، اما به دلیل تحصیل در دانشکده کشاورزی فلوریدا، سرنوشتش او را به قلب مناسبات پیچیده سیاسی-اقتصادی جهان می‌کشاند. فیلم‌نامه با رفت و برگشت‌های زمانی هوشمندانه، پیوند میان گذشته روستایی هدایت و اکنون پرتنش او را می‌سازد و هسته اخلاقی فیلم هستند؛ هسته‌ای که در تضاد مستقیم با جهان بی‌رحم معاملات جهانی غذا قرار می‌گیرد.

شخصیت‌های مکمل مانند شارلوت، مایکل و هنگامه هرکدام نماینده وجهی از این نبرد هستند؛ دانش، کنش سیاسی، روزنامه‌نگاری زیرزمینی و مقاومت فردی. روابط میان این

فیلم سینمایی «مارون»
به تهیه‌کنندگی مهدی
صاحبی و کارگردانی
امیراحمد انصاری
با حضور بازیگرانی
از سینمای ایران،
روسیه و ترکیه ساخته
شده است. مهدی
صاحبی کارگردان،
فیلم‌نامه‌نویس،
تهیه‌کننده و مدرس
سینمای ایران است. وی
در آثاری چون فیلم‌های
سینمایی «ترانه»،
«هرماس» و «قهرمان
جندی شاپور» به عنوان
فیلم‌نامه‌نویس و
کارگردان و در فیلم
سینمایی «مارون»
به عنوان تهیه‌کننده
و نویسنده فعالیت
داشته است. صاحبی
علاوه بر فعالیت در حوزه
سینما، ده‌ها مستند
در ایران و دیگر کشورها
تولید کرده است. او
به عنوان تهیه‌کننده
فیلم «مارون» یادداشتی
درباره شاخصه‌های
فیلم، دغدغه‌ها و
شرایط تولید آن در
اختیار روزنامه جشنواره
گذاشته است که
می‌خوانید.



درباره خالق فیلم «دختر پری خانوم» در فجر ۴۴

سینمای معتمدی

در سینما یکی از بسترهای ویژه برای جذب مخاطب نسبت به اثر، به تصویر کشیدن انسان تنهاست. کاراکتری که در سکوت و خلوت به تماشای سقوط خویش می‌نشیند. البته نشستن امری سوپرکنیو است. گاهی ممکن است شخصیت مذکور در خیابان راه برود، پرسه بزند بی آنکه کسی دستش را بگیرد یا شانه به شانه‌اش باشد. همچون فیلم «آتش درون» ساخته لویی مال. همچون پرسه‌هایی که مارچلو ماسترویانی در فیلم «شب‌های روشن» اثر ویسکونتی می‌زد یا در نسخه ایرانی آن که مهدی احمدی به کوچه‌ها و خیابان‌ها پناه می‌برد.

نمونه‌های زیادی برای مثال زدن وجود دارند. بهتر است از وودی آلن و قهرمان‌های تنه‌پاش در منهتن، پاریس و رم هم غافل نشویم، آن‌هایی که در گرهِ‌های پیچ در پیچ ذهنی خود سکوت می‌کردند، راه می‌رفتند یا حرف‌های بی‌ربط می‌زدند. در سینمای ایران نیز نمونه‌های مثال‌زدنی وجود دارد. یکی از آن‌ها همان «شب‌های روشن» به کارگردانی فرزاد موتمن است. مهم‌تر از آن عباس کیارستمی و «طعم گیلاس» است. به طور کل در سینمای ایران کارگردان‌هایی که به مثابه دغدغه بخوانند انسان تنها را به سوژه‌ای تبدیل کرده و از آن یک اثر سینمایی بسازد، زیاد نیستند. علیرضا معتمدی یکی از آن‌هاست. اگر به کارنامه او بنگریم با دو اثر، که هر دو اسنادی برای ترسیم تنه‌پاشی انسان است، مواجه می‌شویم؛ «رضا» و «چرا گریه نمی‌کنی؟». این دو فیلم فارغ از زبان رمانتیک یا طنزشان، قلب یک آدم تک و تنها را نشانه گرفته‌اند. کسی که برای تمدد اعصاب به کوچه‌های خلوت و دلنشین اصفهان پناه می‌برد. کسی که هیچ شخصیتی دوی دردش را نمی‌داند. حتی خودش! معتمدی تنه‌پاشی را به منزله یک روند می‌بیند. روندی که نقطه اوج آن جدایی انسان از خودش است. وقتی که او دیگر حتی خودش را هم برای همراهی کردن ندارد. این کارگردان در چهل و چهارمین جشنواره فیلم فجر با «دختر پری خانوم» حضور دارد که در سکوتی جذاب از سوی دست‌اندرکاران اثر، آماده اولین نمایش در خانه جشنواره است. آیا این بار هم معتمدی سراغ تنه‌پاشی و انسان تنها رفته است؟



گفت و گو با خشایار موحدیان، تدوین‌گر فیلم «زنده‌شور»

در جست‌وجوی تعادل

نگار تقی‌پور

شود. در هیاهو و سنگینی فیلم، هیچ لحظه حسی کم‌رنگ نشد و تعادل حفظ شد.

«مثل اینکه مدت زمان برای بسیاری از پروژه‌ها - به هر شکلی - تبدیل به چالش شده، برای شما نیز به این شکل است؟ ضمناً مدیریت شما در تقسیم سکانس‌ها بین کاراکترهای متعدد «زنده‌شور» چگونه بود؟

بله، چالش اصلی، زمان طولانی فیلم بود. رافکات اولیه خیلی طولانی‌تر از حد استاندارد بود و باید فیلم را بسیار کوتاه‌تر می‌کردیم. در عین حال، نباید به هیچ‌وجه به ساختار و عمق قصه آسیب می‌زدیم. این موضوع کمی کار را دشوار کرد اما با دقت و همکاری نزدیک با تیم، توانستیم تعادل مناسبی برقرار کنیم و سعی کردیم با حفظ ریتم فیلم و هدایت موقعیت‌هایی که اغلب کاراکترها در آن حضور دارند، به ترتیب اهمیت نقش‌ها، حضورشان را در فیلم ببینیم.

«به نظر شما با توجه به پیشرفت تکنولوژیک سینما جایگاه تدوین در سینمای امروز مادر بستر صدا و تصویر چگونه است؟

جایگاه تدوین، صدا، موسیقی و دیگر عناصر فنی، کاملاً وابسته به کیفیت تولیدات سینمایی است. وقتی ساختار فیلمسازی از پایه به درستی بنا شود، تدوین و سایر بخش‌ها می‌توانند در جایگاه واقعی و بهتری قرار بگیرند. در «زنده‌شور» هم به لطف پایه‌گذاری قوی و دقیق کاظم و تیمش، این امکان فراهم شد.

«در پایان، نکته‌ای هست که بخواهید درباره این پروژه بگویید؟

من و الهه ایزدی که تدوین فیلم را با هم انجام دادیم، از همکاری با کاظم دانشی و تیم «زنده‌شور» واقعاً لذت بردیم. این تجربه نشان داد وقتی احترام و خرد جمعی در کار باشد، نتیجه می‌تواند بسیار رضایت‌بخش باشد.

خشایار موحدیان تهیه‌کننده آثار شناخته شده‌ای همچون «صبحانه با زرافه‌ها»، «جهان با من برقص»، «آغوش باز» و... با تدوین فیلم سینمایی «زنده‌شور» به کارگردانی کاظم دانشی را در چهل و چهارمین جشنواره فیلم فجر حضور دارد. او تدوین این فیلم را با الهه ایزدی انجام داده است. موحدیان درباره روند تدوین و نسبت آن با روایت اثر صحبت کرد.

«تجربه همکاری با کاظم دانشی در فیلم «زنده‌شور» چگونه بود؟ لطفاً برای روزنامه جشنواره در مورد فیلم «زنده‌شور» بگویید...»

فیلم «زنده‌شور» یک درام دادگاهی است و ایده اصلی آن حول محور یک تعلیق احساسی و اخلاقی سوار شده است. همکاری با کاظم دانشی بسیار دلنشین و لذت‌بخش بود. او کاربلد و باهوش است. نقطه قوت اصلی کاظم این است که به تیم و خرد جمعی بسیار احترام می‌گذارد. واقعاً از بودن در کنارش لذت بردم. این احترام متقابل باعث شد کار تیمی بسیار روان پیش برود.

«به طور کل منطق تدوین «زنده‌شور» به چه صورت پیش رفت؟

تدوین این فیلم به چند دلیل جذاب بود. پیش از هر چیز این‌که فیلمنامه بسیار منسجم است و شخصیت‌پردازی‌های خوبی برای چندین شخصیت دارد. کارگردانی سنجیده، درست و حرفه‌ای کاظم همه عناصر را به سمت پرداختی مناسب از قصه هدایت می‌کند. با وجود اینکه قصه فیلم به سمت لحظات تلخ پیش می‌رود، تلاش کردیم تمام لحظه‌های عاطفی شخصیت‌ها به درستی اجرا

گفت و گو با حامد سعادت، کارگردان مستند «جنگل قائم»

درباره همدلی

حامد سعادت، مستندساز و سازنده آثار تحسین شده‌ای چون «بچه‌های جهان»، «تذکره»، «امان نامه»، «مردی که فسیل شد» و... با «جنگل قائم» در چهل و چهارمین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر حضور دارد. در خلاصه داستان این مستند آمده است: کرمان سال‌ها پیش درگیر گردوخاکی ویرانگر بوده است. مردم دست به دست هم می‌دهند و باد و خاک را رام می‌کنند.



صفحه ۹

روزنامه چهل و چهارمین
جشنواره ملی فیلم فجر

«مستند «جنگل قائم» در کدام دسته مستند قرار می‌گیرد و درباره چیست؟

این مستند از نظر موضوعی، هم‌زمان در سه دسته تاریخی، اجتماعی و محیط‌زیستی قرار می‌گیرد. داستان فیلم به یکی از مهم‌ترین بحران‌های زیست‌محیطی شهر کرمان در حدود یک قرن پیش بازمی‌گردد. از حوالی دهه ۱۳۱۰، شهر کرمان به شدت درگیر پدیده گرد و خاک و ریزگردها می‌شود. بادهای فصلی که از اطراف شهر و بیابان‌های پیرامونی می‌وزیدند، حجم زیادی شن و خاک را با خود به شهر می‌آوردند. در برخی سال‌ها وضعیت به قدری بحرانی بوده که طبق اسناد تاریخی، در حوالی ظهر، یعنی ساعت ۱۲، چراغ‌ها را روشن می‌کردند، چون هوا کاملاً تاریک می‌شده است. در همان سال‌ها، برخی از بزرگان شهر به فکر چاره می‌افتند. یکی از مهم‌ترین آن‌ها مرحوم مظفر بقایی است که در آن زمان نماینده مجلس کرمان و پیش‌تر هم رئیس فرهنگ این شهر بوده است. او در دوران تحصیل، مدتی که در فرانسه زندگی می‌کرد، متوجه شده بود در برخی شهرهای فرانسه برای مقابله با شن‌های روان، در مسیر باد جنگل کاری انجام داده‌اند. این ایده در ذهن او شکل می‌گیرد، اما تا اوایل دهه ۴۰ فرصت اجرایی کردن آن فراهم نمی‌شود. در آن زمان، با همراهی بزرگان شهر و جمع‌آوری کمک‌های مردمی، پروژه جنگل کاری آغاز می‌شود. هرچند سرمایه قابل توجهی جمع می‌شود، اما بخش زیادی از آن صرف خاک‌برداری و آماده‌سازی زمین می‌شود و منابع مالی چندان دوام نمی‌آورد. در نتیجه، فراخوانی عمومی در مسجد جامع کرمان داده می‌شود و مردم، تجار و خیران

به کمک می‌آیند. آن‌ها در مسیر اصلی وزش باد شروع به کاشت درخت می‌کنند. ابتدا حدود ۱۲ تا ۱۳ گونه درخت کاشته می‌شود، اما به مرور مشخص می‌شود گونه‌هایی مانند سرو، کاج و نارون هم نیاز آبی کمتری دارند و هم برای تثبیت شن‌های روان مناسب‌تر هستند. در مسیر دیگر نیز از اوایل دهه ۵۰ کاشت گونه طاق آغاز می‌شود. تا اواخر دهه ۵۰، با رشد این درختان، مشکل گرد و خاک در کرمان عملاً حل می‌شود و شهر از یک بحران بزرگ زیست‌محیطی نجات پیدا می‌کند.

«ظاهراً این اثر را بر اساس تجربه‌های زیسته خود ساخته‌اید. از سوژه‌یابی و فرآیند تولید این

مستند بگویید؟

معمولاً در حاشیه کویر اگر جایی سبز و دارای درخت باشد، تبدیل به محل تفریح مردم می‌شود. در کرمان هم عملاً تنها تفرجگاه جدی مردم همین جنگل قائم است؛ جایی که هنوز هم محل تجمع خانواده‌هاست. این موضوع همیشه برای من یک دغدغه بود. هرچه جلوتر رفتم، متوجه شدم بسیاری از هم‌نسلان من، دوستان و حتی هم‌کلاسی‌هایم، هیچ اطلاعی از تاریخچه این جنگل ندارند و تصور می‌کنند این فضا از ابتدا وجود داشته است. در حالی که عمر این جنگل چندان زیاد نیست و حاصل یک حرکت مردمی است. در واقع، وقتی حاکمیت وقت تصمیم گرفت پروژه بیابان‌زدایی را به صورت ملی در کل ایران اجرا کند، در بسیاری از شهرها این طرح‌ها موفق نشدند، اما در کرمان، چون مردم پای کار آمدند، این جنگل شکل گرفت و ماندگار شد. به نظر من، این فیلم حرف‌های مهمی برای گفتن دارد و اگر چه مخاطب داخلی و چه مخاطب خارجی آن را ببیند، تأثیر خود را خواهد گذاشت.

«چقدر طول کشید تا اثر از پژوهش به تولید و اکران برسد؟

یکی از بستگان من در هیئت مدیره اولیه این پروژه حضور داشت و همین موضوع باعث شد دسترسی به اطلاعات دقیق‌تر و اسناد تاریخی برایم ممکن شود. البته از اواسط دهه ۹۰ تصمیم داشتم این مستند را بسازم، اما مشکلاتی مثل نبود حمایت مالی و کمبود متریال تصویری، کار را به تأخیر انداخت. به مرور، خانواده‌هایی که عکس‌ها و فیلم‌های قدیمی داشتند، این اسناد را در اختیار ما گذاشتند. در نهایت، از تابستان ۱۴۰۲ تولید فیلم را به طور رسمی آغاز کردیم که امسال پروژه به پایان رسید و راهی جشنواره بین‌المللی «سینماحقیقت» شد.

«و چشم‌انداز شما به ارتباط این اثر با مخاطب؟

در مستند «جنگل قائم» صرفاً روایتگر تاریخ یا اطلاعات نیستیم؛ ما قصه تعریف می‌کنیم. روایت فیلم طوری طراحی شده که مخاطب را درگیر کند و نیازی به داشتن دغدغه خاصی برای دیدن آن نباشد. سینمای مستند امروز دقیقاً مثل سینمای داستانی، و گاهی حتی بهتر، قصه تعریف می‌کند. این فیلم هم می‌تواند مخاطب عام را جذب کند، به شرطی که درست معرفی و ارائه شود.



محمدصادق اسماعیلی دانش‌آموخته کارشناسی ارشد تلویزیون در گرایش مستند از دانشگاه صدا و سیماي تهران و کارشناسی فیلمسازی گرایش تدوین از دانشگاه فرهنگ و هنر است. او با ساخت آثاری چون «بهزاد بدون مجوز»، «گلی گوران»، «پاتا پاروز»، «آشنگ»، «آدور» و «گیسلو» جوایز متعدد داخلی و خارجی به دست آورده و با مستند تحسین شده «آگیرا» در فجر ۴۴ حاضر است.

موفق به یافتن او می‌شد. علی این مستند را دیده بود. از طرفی ما هر دو در حاشیه شهر کرمان زندگی می‌کردیم و در یک هیئت مذهبی با هم آشنا شدیم. علی قصه زندگی اش را با من در میان گذاشت و وقتی شنیدم، بلافاصله احساس کردم این داستان ظرفیت تبدیل شدن به یک مستند را دارد. به همین دلیل تصمیم گرفتیم فیلمبرداری را آغاز کنیم. «با توجه به استقبال مخاطبان و بازخوردی که از آنها در جشنواره سینماحقیقت داشتید، از نگاه شما دور شدن و تغییر شکل مستندسازی از دسته‌بندی‌های رایج، چقدر در برقراری ارتباط مخاطبان با آثار اهمیت دارد؟

من معتقدم در ۱۰ سال اخیر، جریان اصلی بسیاری از جشنواره‌های معتبر دنیا از این دسته‌بندی‌های سخت‌گیرانه عبور کرده است؛ دسته‌بندی‌هایی مثل فیلم مستند، داستانی، انیمیشن یا تجربی. امروز یا یک اثر «سینمایی» است یا نیست، مرزها کمرنگ شده‌اند. اکنون بسیاری از جشنواره‌های معتبر جهانی، به فیلم‌هایی با فرم مستند توجه ویژه‌ای دارند، چون جهان به این نتیجه رسیده که سینمای مستند هم می‌تواند به همان اندازه سینمای داستانی تأثیرگذار باشد، باورپذیری ایجاد کند و مخاطب را درگیر کند. این اتفاق به‌وضوح در آثار مستند سال‌های اخیر دیده می‌شود. حتی در جشنواره «سینماحقیقت» امسال، بسیاری از مخاطبان بعد از دیدن «آگیرا» می‌گفتند اصلاً احساس نکردند با یک مستند توضیحی، گزارشی یا کشف‌دار مواجه هستند. فیلم‌های مستند امروز به سمت دراماتیزه کردن موقعیت‌های واقعی حرکت کرده‌اند و همین باعث شده است کشش روایی داشته باشند و مخاطب را خسته نکنند. بسیاری از مستندهای هم‌دوره من هم همین ویژگی را دارند و مانند یک فیلم سینمایی، مخاطب را تا پایان با خود همراه می‌کنند.

«و سخن آخر شما با روزنامه جشنواره؟

امیدوارم در ایران به سمتی برویم که ارزش‌گذاری‌های تفکیکی میان سینمای مستند، داستانی و کوتاه کنار گذاشته شود. همان‌طور که در حالی که جشنواره‌های معتبر دنیا مدت‌هاست از این نگاه عبور کرده‌اند. هر اثری که مولفه‌های یک اثر سینمایی را داشته باشد، باید بتواند جایگاه شایسته خود را در جشنواره پیدا کند و مخاطب با آن ارتباط برقرار کند.

«آگیرا» مستندی است که ریشه در زیست‌بوم شما دارد.

عنوان فیلم چه معنایی را منتقل می‌کند؟

«آگیرا» در فرهنگ واژگان کرمانی به معنای «از درون آتش گرفته» یا «گر گرفته» است یعنی حالتی که انسان از درون درگیر سوز و التهاب عمیق می‌شود. این واژه به‌خوبی حال و هوای درونی شخصیت علی را توصیف می‌کند. قصه مستند «آگیرا» روایت زندگی یک پسر جوان حدوداً بیست‌ساله به نام علی است که در حاشیه شهر کرمان زندگی می‌کند. علی هنگام تولد در یکی از بیمارستان‌های کرمان توسط دوزن و یک مرد از بیمارستان ربوده می‌شود. اکنون، پس از گذشت نزدیک به بیست سال متوجه می‌شود کسانی که تمام این سال‌ها خود را خانواده او معرفی می‌کردند، در واقع ربایندگانش بوده‌اند.

«جست‌وجوی فیلم چه مسیری را طی می‌کند؟

ما در این مستند، یک مسیر پنج‌ساله را همراه با علی طی می‌کنیم؛ مسیری پر از جست‌وجو، تردید، امید و ناامیدی برای رسیدن به نشانی از خانواده واقعی و مهم‌تر از آن، برای کشف هویت حقیقی خودش. کلیت روایت فیلم حول همین جست‌وجوی هویتی شکل گرفته است. بخش عمده فیلم در فضای حاشیه شهر کرمان می‌گذرد و با آدم‌هایی مواجه می‌شویم که هر کدام به نوعی اطلاعاتی از خانواده واقعی علی دارند. همین آدم‌ها درام فیلم را شکل می‌دهند و روایت را به جلو می‌برند. علی یک شخصیت واقعی است و ما در موقعیت‌های مختلف زندگی، در این پنج سال، همراه او بوده‌ایم.

«در این فیلم هم به هویت پرداخته‌اید و ظاهراً این موضوع برای شما یک دغدغه است...»

اگر بخواهم صادقانه بگویم، دغدغه هویت، تم اصلی تمام فیلم‌هایی است که تاکنون ساخته‌ام. این بحران هویت همیشه برای من مساله مهمی بوده و احساس می‌کنم باید به آن بپردازم. فیلم قبلی من با عنوان «آدور» هم درباره پسری بود که در جست‌وجوی مادرش به افغانستان می‌رفت و در نهایت

پگاه زارعی
آتش گرفتن از درون
گفت‌وگو با محمدصادق اسماعیلی، کارگردان مستند «آگیرا»



فیلمبرداران شاخص ادوار جشنواره پرواز بر بال تصویر

فرهاد صبا

فرهاد صبا از جمله مدیران فیلمبرداری صاحب سبک و شاخص سینمای ایران است که بارها نامزد دریافت سیمرغ بلورین جشنواره فیلم فجر شده و در ارتقای زبان بصری سینمای ایران نقشی ماندگار دارد. آثار شاخص: خانه دوست کجاست؟ آثار شاخص: سفر به جزایه، کاغذ بی خط

تورج منصوری

تورج منصوری با پیشینه عکاسی و فیلمسازی کوتاه، از دهه ۶۰ فعالیت حرفه‌ای فیلمبرداری را آغاز کرد و سال ۱۳۶۴ به عنوان مدیر فیلمبرداری برای «جاده‌های سرد» برنده جایزه جشنواره شد. او با بسیاری از کارگردانان مطرح سینمای ایران همکاری داشته و دو جایزه جشنواره را در کارنامه‌اش دارد. آثار شاخص: هامون، قارچ سمی، آواز گنجشک‌ها

محمود کلاری

فیلمبردار مشهور و پرافتخاری که بدو شروع فعالیتش در دهه ۶۰ با جایزه همراه بود و در کارنامه پرباری که بیش از هفتاد فیلم در آن ثبت شده است، با سیمرغ‌های سرب، گبه، بوی کافور عطر یاس، خون بازی (دست‌آورد هنری فیلمبرداری سیاه و سفید) و جدایی نادر از سیمین، یک سیمرغ برای «درخت گلابی» در بخش بین‌الملل جشنواره و یک دیپلم افتخار برای «جاده‌های سرد» رکورددار است و به‌عنوان نمادی از کیفیت و استمرار در این حرفه شناخته می‌شود. آثار شاخص: سرب، جدایی نادر از سیمین، ماهی و گربه

اصغر رفیعی جم

گرچه اصغر رفیعی جم فعالیت سینمایی را از دهه ۵۰ آغاز کرده بود اما نامش در سینمای حرفه‌ای با فیلمبرداری شگفت‌انگیز «شاید وقتی دیگر» بهرام بیضایی سر زبان‌ها افتاد. فیلمی که اولین جایزه او در جشنواره فیلم فجر را در دهه ۶۰ برایش به ارمغان آورد. او با بسیاری از سینماگران بنام همکاری‌های موفقی داشته و با سبک و سیاق خاص خود دو سیمرغ دیگر (برای پرده‌آخر و سگ‌کشی) را در کارنامه گزیده اما پربارش دارد. آثار شاخص: شاید وقتی دیگر، سلطان، سگ‌کشی

محمد آلاپوش

کارنامه حرفه‌ای محمد آلاپوش از دهه ۶۰ و با فیلم متفاوت «کلید» آغاز شد و فعالیت مستمر در طول بیش از چهار دهه، او را به عنوان یک هنرمند شاخص و متخصص مطرح کرده است. او با کسب سه جایزه از جشنواره فیلم فجر جزو رکوردداران کسب این جایزه است. آثار شاخص: سرزمین خورشید، گاو خونی

محمد داودی

این فیلمبردار سیمرغ‌دار سینمای ایران، از دهه ۶۰ به عنوان فیلمبردار و مدیر فیلمبرداری آغاز به کار کرد و تاکنون با وجود برخورداری از یک کارنامه کم‌حجم (۱۵ فیلم)، کسب دو سیمرغ را از جشنواره فیلم فجر به ثبت رسانده است. اثر شاخص: رنگ خدا

حمید خضوعی ابیانه

از اواخر دهه ۷۰ که حمید خضوعی ابیانه فعالیت در سینمای حرفه‌ای را آغاز کرد، تاکنون کارنامه مختصر اما بسیار موفقی داشته است. فیلمبرداری ۱۹ فیلم و کسب ۴ سیمرغ بلورین و جوایز مختلف از محافل سینمایی نشان‌دهنده شاخصه کیفی‌گرایی و گزیده‌کاری این هنرمند سینمای ایران است. اثر شاخص: خیلی دور، خیلی نزدیک

تورج اصلانی

کارنامه پربار «تورج اصلانی» در عرصه فیلمبرداری از اوایل دهه ۸۰ تاکنون، مملو از تجارب سخت و متفاوت است و شاخصه تجربه‌گرایی او را در فیلمبرداری و البته فیلمسازی به یک چهره ویژه بدل کرده است. اصلانی در دوره بیست‌وهشتم برنده دیپلم افتخار برای فیلم‌های «زمزمه با باد» و «بدرود بغداد» در بخش نگاه نو شد. اثر شاخص: درخونگاه

هومن بهمنش

هومن بهمنش، از فیلمبرداران جوان اما پرکار و موفق سینمای معاصر ایران است که دو سیمرغ بلورین برای «دربند» ساخته پرویز شهبازی و «تابستان داغ» ساخته ابراهیم ایرج‌زاد دریافت کرده است. اثر شاخص: سرخ‌پوست

رکوردداران سیمرغ

فیلمبرداری

محمود کلاری

۸ سیمرغ بلورین

حمید خضوعی ابیانه

۴ سیمرغ بلورین

محمد آلاپوش

۳ سیمرغ بلورین

علیرضا زین‌دست

۳ سیمرغ بلورین

اصغر رفیعی جم

۳ سیمرغ بلورین

تورج منصوری

۲ سیمرغ بلورین

حسن پویا

۲ سیمرغ بلورین

بهرام بدخشانی

۲ سیمرغ بلورین

حسین جعفریان

۲ سیمرغ بلورین

محمد داودی

۲ سیمرغ بلورین

هومن بهمنش

۲ سیمرغ بلورین

مرتضی نجفی

۲ سیمرغ بلورین

علی محمدقاسمی

۲ سیمرغ بلورین

کوهیار کلاری

۲ سیمرغ بلورین

آرمان فیاضی

۲ سیمرغ بلورین

پیمان شادمان‌فر

۲ سیمرغ بلورین

علیرضا برازنده

۲ سیمرغ بلورین

امیر کریمی

۲ سیمرغ بلورین

حسن کریمی

۲ سیمرغ بلورین

رضای

۲ سیمرغ بلورین

اسماعیل امامی

۲ سیمرغ بلورین

فیروز ملک‌زاده

۲ سیمرغ بلورین

یک سیمرغ بلورین

* در ادوار اولیه جشنواره جایزه اصلی «لوح زرین» نام داشت که در این گزارش با عنوان «سیمرغ» ثبت شد.

جشنواره فیلم فجر از بدو آغاز تاکنون با معرفی و قدردانی از هنرمندان عرصه فیلمبرداری، نقشی کلیدی در شناسایی، تشویق و ثبت تاریخ این هنر پس از انقلاب ایفا کرده است. سیر تحول فیلمبرداری در سینمای ایران از ثبت نخستین تصاویر متحرک و مشارکت آغاز شد و با ظهور استادان بنام به اوج هنری و فنی رسید. چهره‌هایی که هر کدام حلقه‌ای از زنجیره تکامل تصویر در سینمای ایران هستند که داستان‌های این سرزمین را در قاب‌هایی ماندگار ثبت کرده‌اند. از مازیار پرتو، نعمت حقیقی، علیرضا زین‌دست، مهرداد فخیمی تا حسن قلی‌زاده، داریوش عیاری، حسین جعفریان، مرتضی پورصمدی، اصغر رفیعی جم، فرهاد صبا، تورج منصوری، محمود کلاری، محمد آلاپوش، بهرام بدخشانی، محمد داودی، عزیز ساعتی، نادر معصومی و نسل بعدتر چون تورج اصلانی، هومن بهمنش، پیمان شادمان‌فر، علیرضا برازنده، مسعود سلامی، مرتضی نجفی و دیگران از جمله فیلمبرداران صاحب سبک و مؤثر سینمای ایران هستند که هر یک سهم بسزایی در غنای بصری آثار کلاسیک و معاصر داشته‌اند و نمایندگان نسل‌های مختلف فیلمبرداران حرفه‌ای ایران هستند. این هنرمندان اگرچه از نظر تعداد جوایز فجر با یکدیگر متفاوتند، اما در شکل‌دهی به زیبایی‌شناسی تصویری سینمای ایران و خلق آثاری ماندگار نقش داشته‌اند پس در این مجال، به مرور فعالیت برخی از آنها می‌پردازیم.

علیرضا زین‌دست

این مدیر فیلمبرداری با سابقه، صاحب سبک و پرکار فعالیتش از دهه ۱۳۴۰ آغاز شده و با ثبت رکورد فیلمبرداری ۸۰ فیلم بلند سینمایی تا امروز ادامه دارد. زین‌دست بارها نامزد دریافت جایزه فجر بوده که در پی آن برنده سه سیمرغ بلورین بهترین فیلمبرداری برای فیلم‌های «پری» در دوره سیزدهم، «اسرو زیر آب» در دوره سی‌وششم و «سینما تروپل» در دوره چهل و یکم شده است. آثار شاخص: بای‌سیکل‌ران، عروسی خوبان، کلوزآپ، ملکه

مهرداد فخیمی

زنده‌یاد مهرداد فخیمی، دانش‌آموخته فیلمبرداری از آلمان، فعالیت حرفه‌ای خود را با فیلم‌های کوتاه و سینمای حرفه‌ای در دهه ۵۰ آغاز کرد. او در دهمین دوره جشنواره فیلم فجر برای فیلمبرداری فیلم «مسافران» (بهرام بیضایی) برنده سیمرغ بلورین بهترین فیلمبرداری شد. فخیمی شاگردان بسیاری را در این عرصه پرورش داد. آثار شاخص: دستفروش، ناخدا خورشید، مسافران

مرتضی پورصمدی

فیلمبردار مطرح و پرکار سینمای پس از انقلاب که در عرصه سینمای مستند و تلویزیون هم فعالیت‌های زیادی داشت. این هنرمند فقید که برای بسیاری از فیلمبرداران و سینماگران همچنان مقام استادی دارد، بارها نامزد دریافت جایزه از جشنواره فیلم فجر شده بود اما سرانجام سیمرغ بلورین بهترین فیلمبرداری جشنواره را در دوره بیست‌وهفتم برای «شبانه‌روز» به دست آورد. آثار شاخص: ۲۸۸۸، موشک کاغذی، گیلانه

حسین جعفریان

گرچه حسین جعفریان از دهه ۵۰ وارد عرصه فیلمبرداری شد اما از دهه ۶۰ تاکنون کارنامه پرباری داشته است. او از فیلمبرداران پرکار جشنواره به شمار می‌رود و شاگردان زیادی را هم به این عرصه معرفی کرده است. جعفریان برای فیلم‌های «دیوار» و «رستاخیز» برنده سیمرغ بلورین بهترین فیلمبرداری شد و برای فیلم «نرگس» هم دیپلم افتخار این رشته را از آن خود کرد. آثار شاخص: درباره‌الی، چ





روزنامه چهل و چهارمین جشنواره ملی فیلم فجر
شماره ۵ - چهارشنبه ۱۵ بهمن ۱۴۰۴
مدیر مسئول: منوچهر شاهسوری



تصویر امروز

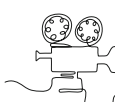


با وارد شدن جشنواره چهل و چهارم به چهارشنبه ۱۵ بهمن، نیمه دوم مهم‌ترین رویداد سینمایی سال آغاز شد.



ارتقای زیرساخت سالن‌های جشنواره در شهرستان‌ها

با برگزاری جشنواره فیلم فجر در سراسر کشور، طرح نوسازی و تجهیز سالن‌های سینمایی در شهرستان‌ها به پایان رسید. این عملیات که با هدف آماده‌سازی فضا برای میزبانی از چهل و چهارمین جشنواره فیلم فجر انجام شده است شامل ارتقای کامل سیستم‌های صوت و تصویر و بهبود زیرساخت‌های رفاهی است تا مخاطبان استانی بتوانند فیلم‌های جشنواره را بالاترین استانداردهای کیفی تماشا کنند. موسسه بهمن سبز اورهال سیستم صوت و تصویر سینما هویزه مشهد، تعویض پرده نمایش سینما بهمن بهشهر مازندران و تعویض صندلی‌های سینما فرهنگ فولادشهر اصفهان را اجرا کرده است. همچنین سالن‌های سینماهای بهمن سنندج، آزادی کرمانشاه و سپاهان اصفهان به ویدئو پروژکتورهای پیشرفته تجهیز شده است. بر اساس جدول زمان‌بندی جشنواره، اکران آثار منتخب در سینمای شهرستان‌ها از امروز ۱۵ بهمن آغاز شده و تا ۲۲ بهمن ادامه دارد.



نگاه ایرانی

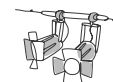
«رنگ خدا» پر است از حس زندگی. اثری که در زمان خود، فرم، لحن و بیان آن دیده شد. تلفیق سینمای شاعرانه و لطافت ذاتی قصه در کنار نمود پررنگ معنویت باعث شدند تا در حافظه جمعی چند نسل به ثبت برسد.



انتخاب فیلم برتر «سلامت روان»

دکتر محمدرضا شالبافان، مدیرکل دفتر سلامت روانی، اجتماعی و اعتیاد وزارت بهداشت با اشاره به برگزاری دومین دوره انتخاب «فیلم برگزیده سلامت روان» در بخش جنبی جشنواره فیلم فجر با عنوان «تجلی اراده ملی» گفت: امسال نیز آثار سینمایی با محور توجه مسئولانه و واقع‌بینانه به موضوعات مرتبط با سلامت روان، مورد ارزیابی و داوری قرار می‌گیرند. داوری این آثار توسط هیأتی متشکل از روان‌پزشکان، روان‌شناسان و یک فیلم‌ساز آشنا با موضوع سلامت روان انجام می‌شود. آنها با معرفی انجمن‌های علمی مرتبط و با همکاری معاونت دانشجویی و فرهنگی انتخاب شده‌اند و برگزارکننده، دفتر سلامت روانی، اجتماعی و اعتیاد معاونت بهداشت است. به گفته او، فیلم‌ها بر اساس شاخص‌هایی همچون نحوه پرداخت به موضوع سلامت روان، پرهیز از کلیشه‌سازی و انگ‌زنی نسبت به بیماران روان‌پزشکی، توجه به جایگاه خانواده‌ها، نمایش حداقل مخاطرات روانی اجتماعی و روایت مسئولانه آسیب‌های اجتماعی از جمله خودکشی یا مصرف مواد مورد داوری قرار می‌گیرند.

«آندو» هم آمد



پس از آنکه به دلیل تکمیل نشدن مراحل فنی فیلم «عروس چشمه» به کارگردانی و تهیه‌کنندگی فریدون نجفی، این فیلم از حضور در جشنواره بازماند، «آندو» وارد این رویداد سینمایی شد. فیلم سینمایی «آندو» قصه ظفر، پسر بچه‌ای ۱۲ ساله، اصالتاً بختیاری و از عشایر لردگان است که پدرش خدابخش و برادرش خدارحم به همراه دیگر مردان ایل به جبهه رفته‌اند. چند ماهی است که از خدارحم خبری نیست. در همین حال، شهیدی را به لردگان می‌آورند و... فریبا کوثری، علیرام نورایی، قدرت الله ایزدی، مالک حدپور سراج، آوا دارویت، اسرافیل علمداری، محمدرضا زاله و کامران دهقان از بازیگران فیلم هستند.

پخش زنده تلویزیونی نشست‌ها



از روز گذشته، نشست خبری فیلم‌های حاضر در جشنواره که بعد از نمایش فیلم‌ها در پردیس سینمایی ملت برگزار می‌شود، به صورت زنده از شبکه خبر ۲ روی آنتن رفت تا مخاطبانی که در خانه جشنواره حضور ندارند در جریان جزئیات نشست‌ها قرار بگیرند.

صفحه آخر
روزنامه چهل و چهارمین جشنواره ملی فیلم فجر

